

تعلیل کنیم؟ علت عمومی این تغییر، فراوانی و تعدد ماشین‌آلات است. آزادی زن از عواض انقلاب صنعتی است... نخستین قدم برای آزادی زن، بموجب قانون ۱۸۸۲ به دست آمد، و بموجب آن، زنان می‌توانستند پولی را که به دست می‌آورد برای خود نگه‌دارند. این قانون را کارخانه‌داران مجلس عوام، وضع کردند تا بتوانند زنان را به کارخانه بکشانند. ماشینها موجب پیدایش کارخانه‌ها شدند، و کارخانه‌ها شهرهای نو پدید آوردند، و شهرها دموکراسی و سوسیالیسم و منع آستنی را آوردند؛ روزگاری به کمک ادعیه، فرزند می‌خواستند، و امروز به کمک طب، از فرزند مزاحم فراری می‌کنند.

تا حدود نیم قرن پیش، افکار عمومی بر این بود که زنان در مقایسه با مردان، موجوداتی ضعیف و ناتوان هستند؛ «از این رو تقریباً هر زنی در هر جای دنیا از ته دل افسوس می‌خورد که چرا سرد زاییده نشده است. از این عقیده، یک خشم و آزرده‌گی سوزانی بر می‌خاست که گاهی مانند آتش‌فشان از گرفتارشان فرو می‌ریخت... و کار و اقدام او در همه اعصار و همه نسلها عبارت بود از بچه زاییدن. زن تسلیم مرد، و «ضعیفه» بود، ضربتهای سرد را با خوشی و صحبت تلقی می‌کرد. نام و ملک و جسم خود را در اختیار او می‌گذاشت، و سعادت خود را در اجرای اوامر او می‌دانست... پس از قرن‌ها، صنعت، زن را به دام خود کشید و تنوع مانند سیلی از هر سوی به زندگی او روی آورد. مسئولیت شخص و استقلال اقتصادی فرا رسید. زن خرج خود را خود به دست آورد و خود، اخلاق و عادات خود را قالب‌ریزی کرد... زن با خوشحالی متوجه شد که نقص جسمانی مانع سوقیت و برتری نیست، و گاهی بزرگترین نوابغ در کوچکترین کالبدها بوده‌اند، و حتی زنی که اسیر شکمبند و داس تنگ و محصور در عادات و رسوم است می‌تواند قدرت و رهبری را به دست گیرد و بر خود مسلط باشد... شوق کسب در او پدید آمد، و پول درآور توانایی شد. پاکیزگی و آراش خانه را رها کرد و به کوچه و بازار پر سر و صدا روی آورد، و بجای آب، به سرو صورت خود پودر مالید. شکمبندش را شل کرد، دامنش را کوتاه ساخت، و نیمه تنش را به آفتاب داد، عبادتش کمتر و بازییش بیشتر گردید. نفسهای آزادی را تا درون سینه فرو برد و روحش قویتر و دلیرتر گشت. صفات او در نزدیک به یک نسل، چنان رشد و شکفتگی گرفت که سابقه نداشت. آن تغییر، سرد را تکان داد و او را وادار کرد که با یادآوری اصول اخلاقی، از دست «زن جدید» بنالد و شکایت کند. اما چون این تغییر بی‌صدا پدید آمده بود، برای ثبات و دوام خود، احتیاجی به اجازه او نداشت.

مرد در کارخانه و تجارتخانه و ادارات و مدارس و در هر جایی... زن را در برابر خود یافت، و استقلال او را در کار و اداره نپسندید. حسرت روزهای قدیم را خورد و به مبارزه برخاست، اما جنگ را باخت... کلمات «دوست داشته باش و گراسی بدار و اطاعت کن!» از دفتر ازدواج جدید، رخت برسته است... از این تغییر سریع، می‌توانی به امکان تغییر خوی و منش پی‌ببری... زن در صدها هزار وضع و حالت مختلف، از خجالت به جرات، و از زیردستی، به زبردستی پا نهاده است. اگر بخواهیم، بی‌یقین می‌توانیم خوی خود را دگرگون کنیم.»^۱

ویل دورانت معتقد به تعدیل وضع موجود است؛ به نظر او: «ما در میان جنگها و ماشینها چنان غرق شده ایم که از درک این حقیقت بیخبر مانده ایم که در زندگی، واقعیت اساسی، صنعت و سیاست نیست بلکه مناسبات انسانی و همکاری زن و شوهر و پدر و مادر و فرزند است. همه زندگی به دور عشق زن و مرد و عشق فرزند می چرخد... پس، باید بدانیم که پیوند ازدواج برای قانونی ساختن رابطه عشقی و شهوانی زن و مرد نیست بلکه پیوندی است میان پدر و مادر و فرزند، و برای حفظ و استواری بنیاد نوع؛ ازدواج مهمترین رسوم و قوانین بشری است؛ برای آنکه امری نوعی است نه شخصی...»^۱

به عقیده دوروزه: «... کمیابی زنان در دوره قهرمانی ایالات متحد، موجب شد که ایشان ارزش بی اندازه ای کسب کنند. بدین سان، نوعی مادرسالاری اخلاقی، که قوانین هم کم و بیش بر آن صحنه گذاشت، شکل گرفت، که هنوز هم جامعه کنونی امریکا شدیداً از آن متأثر است... بیشتر ثروت امریکا، در دست زنان است که بر مطبوعات، رادیو، تلویزیون و... نفوذ دارند. از نقش عظیمی که انجمنهای زنان در زندگی اجتماعی و سیاسی بازی می کنند آگاه هستیم.»

www.Bakhtiaries.com

به نظر می رسد، که فزونی تعداد زنان بر مردان، موجب تقویت محافظه کاری در جوامع غربی است؛ زیرا که در این جوامع، آرای زنان بیشتر از آرای مردان به سوی راست تمایل دارد... زنان بیشتر از مردان عمر می کنند، لذا آرای زنان در مجموع، به سوی احزاب دست راستی متمایل می شود؛ زیرا در هر دو جنس (مرد و زن) در آرای پیران، محافظه کاری بیشتری وجود دارد... ظاهراً در کشورهای توسعه نیافته، تأثیر سیاسی زنان در جهت مخالف نمایان می شود؛ یعنی علیه نظم موجود، وله دگرگونی و به سوی تشدید تضادها. عموماً وضع اجتماعی زنان در این کشورها، خاصه کشورهای اسلامی، در آسیا، در امریکای لاتین و جز آنها، از وضع اجتماعی مردان بدتر است؛ ستم دیده ترین دسته اجتماعی هستند و طبیعی است که انقلابیترین دسته ها باشند.»^۲

دوروزه در جای دیگر می نویسد: «زنان در نظام سوسیالیستی، مانند نظام سرمایه داری، در قیاس با مردان ستم دیده اند. دگرگونی در وضع حقوقی آنان، از میان رفتن محرومیت های آنان و پایان دادن به تبعیضات در دستمزد آنان، مانع این امر نمی گردد که مادری و نگهداری کودکان، با رهایی اضافی بر آنان تحمیل می کند. اگر زن خانه نشین باشد، از جهت اقتصادی به سرد بستگی دارد؛ اگر مانند سرد کار کند، به زحمت شغلی خود تکالیف خانوادگی را اضافه نمی کند. وضع حقوقی روابط زن و مرد که در امریکا سرد را بازیچه زن می سازد، به هیچ وجه از وضع حقوقی فرانسوی، که زن را بازیچه سرد می نماید، یا وضع حقوقی ایتالیایی که هر دو را در ریاکاری دائمی محبوس می کند، رضایتبخشتر نیست. تضادهایی که از این مبارزه جنسها حادث می شود با اینکه مستقیماً هم سیاسی نیست، اهمیت بزرگی در سراسر زندگی اجتماعی دارد.»^۳

۱. همان، ص ۱۷۲ (به اختصار).

۲. همان، ص ۲۶۴.

۳. همان، ص ۵۷ (به اختصار).

دویت در کتاب حوادث بزرگ، راجع به زن اسرکایی، می‌نویسد: در «ماه اوت ۱۹۲۰، زنان اسرکا حدنصاب لازم را برای لازم‌الاجرا بودن ماده ۱۹ متمم قانون اساسی، که به زنان اسرکایی، حق شرکت در انتخابات را اعطا می‌کند، به دست آوردند. پس از این پیروزی، مبارزه زنان در اسرکا، و دیگر کشورهای باختری برای کسب حقوق و آزادیهای دیگر، ادامه یافت. در سال ۱۹۵۲ رأی بانوان باعث شد که پس از ۲۰ سال، رئیس جمهور از حزب جمهوریخواه انتخاب شود. زنان اندک اندک در سازمانهای دولتی و اقتصادی و اجتماعی، مقامات مهمی به دست آوردند. در دوره ریاست جمهوری روزولت، وزارت کار به عهده یک نفر بانو محول گردید. در جنگ جهانی دوم، بانوان نه فقط در ادارات دولتی، مشاغل نویسندگی و دفترداری را به دست آوردند بلکه در صفوف مختلف نیروی نظامی اسرکا، بعنوان افسر، به خدمت گمارده شدند. بانو فرانکلین روزولت نه فقط در هیأت نمایندگی اسرکا در سازمان ملل متحد، مقام شامخی داشت بلکه چندین بار جداً به او پیشنهاد کردند که نامزد ریاست جمهوری شود.

مبارزه زنان، برای تحصیل حقوق اقتصادی، به این نتیجه رسید که دولت و سازمانهای اقتصادی قبول کردند که در کادرسای، مرد زن و مردیکسان باشد. به این ترتیب نخست، زنان اسرکا و بعد، زنان اروپا توانستند با تحصیل حق رأی و به دست آوردن شغل در ادارات و کارخانجات، استقلال اقتصادی به دست آورند. آمارگران پس از محاسبه و رسیدگی، اعلام کردند که زنان نه فقط در سیاست و کاردانی با مردان برابرند، بلکه در بعضی از امور، که مستلزم توجه و دقت بیشتری است، از مردان شایسته ترند.

کشف رادیوم، بوسیله مادام کوری نشان داد که در زمینه‌هایی علمی نیز زنان می‌توانند با مردان برابری کنند. اندک اندک، زنان حتی در کشیدن سیگار نیز از مردان عقب نماندند، بطوری که امروز حتی در کشورهای شرقی، دخترهای ۱۷ - ۱۸ ساله بدون احساس ناراحتی و شرم سیگار می‌کشند. با گذشت زمان، زنان بتدریج از طول و عرض پوشاک خود کاستند و سال به سال، قسمت بیشتری از برو بازو و سینه و تن خود را تماشاگه نظر بازان قرار دادند. «**رفع حجاب در ایران**» پس از آن که در قرن ۱۳ ه. ق. قره‌العین بی‌حجاب در مجمع مردان حاضر شد، مرتجعین مستمسکی پیدا کردند، و هر کس را که صحبت از رفع حجاب می‌کرد، فاسدالعقیده می‌خواندند. در ابتدای تأسیس مدارس ملی، اظهار به افتتاح مدرسه دخترانه نیز، در حکم فساد عقیده بود. بعد از برقراری ششروطیت، کم‌کم صحبت رفع حجاب به میان آمد. مدارس دخترانه به همت عده‌ای از زنان پیشقدم باز شد. بانوان ایرانی به اروپا مسافرت کردند و فکر آزادی زن و رفع حجاب توسعه پیدا کرد. مردان روشنفکر، که تأثیر آزادی زن را در زندگی اجتماعی در اروپا دیده یا شنیده بودند، به زنان در این نهضت کمک می‌کردند. دخترانی که از مدرسه‌های تازه بیرون می‌آمدند رفع حجاب در رأس آرزوهایشان بود. انجمنهای مختلف زنان برای این موضوع تشکیل شد، که از آن جمله بود «شرکت خواتین

اصفهان» (اصفهان، ۱۲۹۷ ه. ش.) و «شرکت آزمایش بانوان» (تهران ۱۲۹۹ ه. ش.) هر دو به رهبری صدیقه دولت‌آبادی؛ «پیک سعادت نسوان» (رشت، ۱۳۰۰ ه. ش.) که جمیله صدیقی و سکینه شبرنگ از مؤسسين آن بودند؛ «انجمن نسوان وطنخواه» (تهران ۱۳۰۰ ه. ش.) به رهبری محترم اسکندری؛ «بیداری نسوان» (تهران، ۱۳۰۵ ه. ش.) و انجمن ترقی نسوان (تهران، ۱۳۰۶ ه. ش.).

از حدود ۱۳۰۰ ه. ش. عده‌ای از زنان و مردان روشنفکر، دست به انتشار روزنامه‌هایی زدند: روزنامهٔ «بان زنان» (اصفهان، ۱۲۹۸ ه. ش.) به مدیریت صدیقه دولت‌آبادی؛ مجلهٔ «پیک سعادت» (رشت)؛ مجلهٔ «عالم نسوان» (تهران، ۱۳۰۰ ه. ش.) به مدیریت ملوک اسکندری و سرپرستی محترم اسکندری؛ مجلهٔ «دختران ایران» (شیراز، ۱۳۰۶) به مدیریت زنددخت؛ و روزنامهٔ «شکوفه» (تهران)، به مدیریت «مریم عمید» (سزین السلطنه).

این جمعیتها و روزنامه‌ها، به بیداری زنان کمک کرد. بعلاوه، مردانی روشنفکر، مانند ابوالقاسم آزاد، نظم‌الدولهٔ خواجه‌نوری، ایرج میرزا (جلال‌الممالک)، سیرزادهٔ عشقی، دبیر اعظم بهرامی، و عدهٔ زیادی دیگر، عملاً و با قلم و زبان و با تشکیل جلسات و نمایشها و غیره، مشوق و پشتیبان زنان در این راه بودند. مسافرت اعلیحضرت فقید به ترکیه (۱۳۱۳ ه. ش.) و مشاهدهٔ پیشرفتهای اجتماعی زنان ترك نیز، به این امر کمک کرد.

در چهارشنبه ۱۷ دی ۱۳۱۴ ه. ش.، شاه فقید به اتفاق ملکهٔ وقت و شاهدختها، بی‌حجاب، برای جشن فرهنگ به دانشسرای پسران رفتند. مدیران و معلمین مدارس دخترانه و کارمندان انات وزارت فرهنگ، که قبلاً کم و بیش چادر را برداشته بودند، و نیز بانوان مدعوین بی‌حجاب حضور یافتند. از آن تاریخ، رفع حجاب علنی و رسمی گردید، و فصل نوی در تاریخ حیات زن ایرانی باز شد، و تحصیل در مدارس عالییه و شرکت در خدسات اجتماعی و ملی برای آنان میسر گردید.!

www.Bakhtiaries.com

نونه‌ای از اعتراضات متأخرین به حجاب‌زنها:

| | |
|----------------------------------|---------------------------------|
| خدايا، تاكي اين مردان به خوابند؟ | زنان ت ساكي گرفتار حجابند |
| چرا در پـرده باشد طلعت يـار؟ | خدايا زين سعا پـرده بردار |
| مگر زن، در میان مسا بشر نيست؟ | مگر زن در تميز خيرو شر نيست؟ |
| تو پنداری که چادر زاهن وروست؟ | اگر زن، شيوه زن شده، مانع اوست؟ |
| چو زن خواهد که گيرد بساتو پيوند | نه چادر مانعش گردد نه روبند |
| زنان را عصمت و عفت ضرور است | نه چادر لازم و نه چساقچور است |
| زن رو بسته را ادراك و هـش نيست | تثاتر و رستوران ناسوس کش نيست |
| اگر زن را بود آهنگك حيزی | بود يکسان تثاتر وپای ديزی |
| بنشمد در تـه انبـار، پـشگل | چنان کـاندر رواق بـرج ايـفل |
| چو خوش اين بيت فرمودست جامی | مهين استاد کـل بعد از نظامی |

درار بندی زروژن مسر در آرد
- «شنوی عارقانه»

گو، به دیوانگیم خلق نمایند اقرار
هوش گرد آور و برگفته من دل بگمار
تاکی از مژه تو، تیر نهم بردل زار
چندگویم که قدت سرو بود در رفتار
سرو قدی تو و حاجت نبود براظهار
لیکن اینها همه حرف است و ندارد مقدار
یا به ابروی تو گویند هلالی است نزار؟
حسن مفروش دگر با من و کرداریار
دلبری چون تو ز آرایش دانش بکنار
شرم باشد که تودر خواب و جهانی بیدار
عیب نبود شجری چون توتهدیدست از بار
شاخه جهل ندارد ثمری جز ادبار
و یسن نقاب سیه از روی مبارک بردار
جد و جهدی ینما، چون دگران مادروار
همه کس از تو سخن می شنود، اول بار
که فتوسند ذکوشش نگریزند از کلا
تا بدانند بود مفتخوری ذلت و عار
تسا که فرزند تو با این سخنان آید بار
سس اقبال وطن از تو شود زر عیار
- لاهوتی

نعوذ بالله اگر جلوه بی نقاب کند
چرا که هرچه کفند حیلله، در حجاب کند
رود به باطن و تفسیر ناصواب کند
به هر دلیل که شد بره را سجاب کند
که جفت خود را نادیده انتخاب کند؟
کجاست دست حقیقت که فتح باب کند
به نصف مردم ما سالک الرقاب کند
نه بلکه گر به تسبّه به آن جناب کند
بسی تکاند و بر خشکیش شتاب کند
ز سینه تادم خود را درون آب کند
ازو بترس که همشیره ات خطاب کند
فقیه شهر که بیدار را به خواب کند

پری رو، تساب مستوری ندارد
من از اسروز، ز حسن تو بریدم سروکار
ای مه ملک عجم ای صنم عالم شرق
... تاکی از زلف تو زنجیر نهم برگردن
... چندگویم که رخت ماه بود در خوبی
ماهروبی تو و لازم نبود برگفتن
مسدح تو بیشتر از هر که توانم گویم
زین چه حاصل که ز سزگان تو خنجر سازند
من به زیبایی بی علم خریدار نیم
... اندرین دور تمدن، صنما لایق نیست
فنگ باشد که تو در پرده و خلقی آزاد
حیف نبود قمری مثل تو، محروم از نور
ترک چادر کن و مکتب برو و درس بخوان
دانش آسوز و زاحوال جهان آگه شو
خرد آسوز و بی تربیت ملت خویش
تو گذاری به دهان همه کس، اول حرف
پس از اول، توبه گوش همه این نکته بگو
پسر و دختر خود را شرف کار آسوز
سخن از دانش و آزادی و زحمت سی گوی
به یقین گر تسوچنین مادر خوبی باشی

نقاب دارد و دل را به جلوه آب کند
فقیه شهر به رفع حجاب مایل نیست
چون نیست ظاهر قرآن به وفق خواهش او
از او دلیل نباید سؤال کرد که گرگ
... به غیر ملت ایران کدام جانور است
نقاب بر رخ زن سد باب معرفت است
بلی نقاب بود کاین گروه مفتی را
به زهد گر به شبیه است زهد حضرت شیخ
اگر ز آب کمی دست گریه تر گردد
ولی چو چشم حریصش قند به ماهی حوض
زمن مترس که خانم ترا خطاب کنم
به حیرتم ز که اسرار هیبتتیم آسوختم

بگو بتازد و آن خانه را خراب کند
اگر چه طالب آن جهد بی حساب کند
بهل که شیخ دغا عوعو کلاب کند
مگر مساعدتی دست انقلاب کند
وثاق و کوچه پراز ماه و آفتاب کند
- ایرج میرزا

زنان مکه همه بی نقاب می گردند
به دست کس نرسد قرص ماه در دل آب
تولیز پرده عصمت بیوش و رخ بفروز
به اعتدال از این پرده مان رهائی نیست
ز هم بدرد این ابرهای تیره شب

وضع اجتماعی زن به نظر پروین در نیمه دوم قرن بیستم، راز عقب ماندگی زنان را جهل و پروین اعتصامی و عشقی بیخبری می دانند، و معتقد است بین زن و مرد، اصولاً اختلافی وجود ندارد. پستی نسوان ایران، جمله از بیداشی است زین چراغ معرفت کاسروزه، اندر دست ماست

مرد یا زن، بر تبری و رتبت ازدانستن است،
شاهراه سعی و اقلیم سعادت روشن است.^۱

مرا هیچ گنه نیست بجز آنکه زلم

زین گناهست که تا زنده ام اندر کفتم

... بکنم گر زتن این جامه، گناه است مرا

نکنم، عمر در این جامه تباه است مرا

چکنم؟ بخت از این رخت، سیاه است مرا

حاصل عمر از این زندگی، آه است مرا

زحمت مردن من یک قدم است

تال لب گور کفن در تنم است

سرگ هر شام و سحر، چشم به راه است مرا

... شرم چه؟ مرد، یکی بنده و زن، یک بنده

زن چه کرده است که از مرد شود شرم بنده

چيست این چادر و روبنده ناز بنده

گر کفن نیست بگو چیست پس این روبنده

برده باد آنکه زنان، زنده به گور افکنده

... با من ار یک دوسه گوینده هماواز شود

کم کم این زمزمه در جاسعه آغاز شود

با همین زمزمه ها، دی زنان باز شود

زن کند جامه شرم آرو سر افراز شود

لذت از زندگی جمعیت احراز شود

ورنه تا زن به کفن سر برده

نیمی از ملت ایران سرده

- عشقی

www.Bakhtiaries.com

حجاب و بعضی از روحانیان

قدرت تخریبی، و نیروی ارتجاعی بعضی از روحانیان کهنه‌پرست، در طی نیم‌قرن اخیر، در اثر نفوذ تمدن غرب و اشاعه نسبی فرهنگ، و رواج رادیو و تلویزیون و آمد و رفت ایرانیان به اروپا و مسافرت غربیان به کشور ما، تا حد زیادی نقصان یافته است، معذک در سال ۱۳۲۷ ه. ش. جمعی از روحانیان، به تحریک اجانب، تصمیم داشتند، زنان ایرانی را بار دیگر مجبور کنند که روی و رخسار خود را در حجاب مستور دارند. در این هنگام، استاد مجتبی مینوی، طی مقاله‌ای مستدل و منطقی، به روش روحانیان قشری شدیداً حمله کرد، و با استناد به آیات قرآن، از جمله سوره نور، و کتب فقهی و تفسیر ابوالفتوح (ذی)، به مردم نشان داد، که معنی حجاب این نیست که «زنان چادر کرب دوشین و چاقچور ترکی بپوشند، و پیچۀ بافته از دم اسب، یا روبنده بزنند، یا شلیته‌ای که ناصرالدین شاه بر تن رقاصه‌های اروپایی دیده و به ایران سوغات آورده، به پا کنند. هیچیک از این چیزها، لباس زنان عهد پیغمبر نبود و پوشیدن عورت مستلزم این نیست که ما زنان خود را بصورت غلام در بیاوریم ... زن مجاز است که صورت و کف دست خود را تا ساق نشان بدهد و بنابراین، روی و کف دست و ساق دست و کف پا عورت نیست و حتی اگر در موقع نماز هم این مقدار از بدن یک زن را نامحرم ببیند، نمازش درست است و حتی خلخال و گردنبند و گوشواره را هم نیز بعضی از مفسرین جزو زینتهایی شمرده‌اند، که ظاهر کردن آنها جایز است. اگر شما مسلمانید و به قرآن و تفسیر معتقدید، حکم خدا این است و اعلم علما و مجتهدین هم حق ندارد، به غیر ما انزال الله فتوی دهد، و حکم خدا را، برای خود تبدیل کند.»^۱ سپس استاد می‌نویسد، رفع حجاب یکی از تغییرات سهمی بود که پیش آمد، ولی غیر از این، باید خیلی تغییرات دیگر نیز روی داده باشد، و رفع حجاب زنان باید مقدمه دفع حجاب جهل شده باشد. «تمام سعی و اهتمام ما باید مصروف این شود که هر نسلی از سلف خود بهتر شود و پایه تربیت و معرفتش بالاتر باشد؛ و این میسر نخواهد شد مگر به اینکه زنان و مردان ما هر دو علاقه‌مند پیشرفت و تکامل باشند. عادات و رسوم مضر، خرافات و عقاید واهی، برکنار بودن زنان از اجتماعات مملکتی، همگی باید از میان برود و علوم جدید و تغییرات اساسی که بر طبق اصول اجتماع‌شناسی لازم است، جای آنها را بگیرد... ترك و تاجیک و ازبک و قرقیز، جملگی دو اسبه به سوی تکامل می‌تازند. در چنین دنیایی ما نمی‌توانیم ساکن بمانیم.»^۲

۱. «پوشیدن روی یا پوشیدن روی»، مجله یغما، تیر ۱۳۲۷، ص ۱۵۵.

۲. همان.

www.Bakhtiaries.com

فہرست و احصا

آرین پور، یحییٰ ۶۴، ۳۵۴، ۴۹۸

آسیا ۸۲، ۸۷، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۶۲

۳۳۰، ۳۳۵

آسیای صغیر ۲۱۹

آسیای هفت سنگ ۲۶۲، ۴۹۴

آشتیانی، حاجی میرزا حسین ۴۹۹

آشنائی با علم اقتصاد ۷۶

آصفی هروی، محمد بن ابراهیم ۱۱۳

آفاخان (رهبر اسماعیلیه) ۱۲، ۵۹، ۷۲۴

آفاخان کرمانی ۱۶، ۵۱۷

آفاخان نوری ۳۴۲

آقا محمدخان ۵۶، ۳۳۶، ۳۴۱، ۴۹۱

۴۹۴، ۵۹۶، ۶۰۰

رابطه ~ با روحانیون ۴۹۱ رفتار ~ با

سیدی از اهل کرمان ۴۹۴ نامه ~ به

میرزا ابوالقاسم قمی ۴۹۴ مواصفه ~ با

مرد سائل ۶۰۰

آل احمد، جلال ۱۸۴، ۱۹۲، ۲۷۸

آل احمد، شمس ۶۸۲

آلبتکین ۳۲

آلپ ۸۰، ۸۱

آلمان ۸۰، ۸۱، ۲۱۲، ۲۶۲

آمدی ۴۴۳

آبادان ۱۳، ۶۴، ۵۵۷

آبوی ۵۶۱

آبیاری در ترکستان ۹۳، ۹۴، ۱۰۳، ۱۰۶

۲۴۴

آبین ۲۷

آتاترک ۶۴۸

آثار البلاد ۴۵۱

آثار فارسی شهرستان کاشان و نطنز ۲۴۷

۳۹۸، ۴۸۶، ۷۲۷

آثار و اخبار ۲۱۹

آثار الوزراء ۱۳۷، ۴۴۴، ۶۸۳

آخوندزاده ۵۲۰

انتقاد ~ از روش ارتجاعی طبقه روحانی ۵۲۰

آداب الحرب والشجاعه ۳۰۸

آدمیت، فریدون ۵۹، ۵۰۲، ۵۱۲، ۵۲۱

آذربایجان ۲، ۵، ۸، ۶۵، ۸۱، ۸۹، ۳۰۷

۳۵۸، ۴۸۱، ۴۸۵، ۴۹۰

آذر بیگدلی ۴۵۴

وصف روحانی متعصب در شعر ~ ۴۵۴

آرام، احمد ۱۲۲، ۳۵۰، ۶۴۴

آرژانتین ۸۳، ۸۷

آریان، قمر ۸۰

آریان پور، ا. ح ۱۰

۳۷۲، ۳۷۹، ۳۸۷، ۴۷۰، ۴۷۱، الکیت
 بزرگ از نظر ~ ۳۰۱ انواع پیشه‌ها ا:
 نظر ~ ۳۶۸ ارزش کار از نظر ~ ۳۶۹
 بحث ~ پیرامون صنایع و فعالیت‌های علمی
 ۳۷۱ سخن ~ از درودگری ۳۷۳ سخن
 ~ از خیاطی و بافندگی ۳۷۲

ابن رشد اندلسی ۴۴۲

ابن سینا ۲۱۳، ۴۴۲ اشاره ~ به افیون

ابن عرب‌شاه ۴۷۳

ابن مسکویه ۱۰۴

ابن وحشیه ۲۲۱

ابن‌یمین ۵۲، ۱۲۳، ۲۶۵، ۳۸۰ ابن‌یمین

و تشویق کشاورزان به کار ۱۲۳

الابنیه عن حقایق الادبیه ۲۱۲، ۲۲۵

ابو ابراهیم اسماعیل صفار ۴۳۵

ابو اسحاق بن اسماعیل ۴۳۵

ابو اسحاق شیرازی ۲۱۲

ابوبکر تایبادی ۴۷۱ گفتگوی ~ با تیمور

۴۷۱

ابو حامد محمد غزالی ← غزالی

ابوالحسن ← اردشیرین ابا منصور عبادی

ابوذر غفاری ۵۳۶، ۵۳۷ تحکم ~ با معاویه

۵۳۶

ابوریحان بیرونی ۵۷۶

ابوسعید بهادرخان ۱۳۷

ابوسعید (واعظ) ۵۳۵ اندرز ~ به نظام‌الملک

۵۳۵

ابوالحسن خان (سیرزا) ۴۹۶

ابوطالب مصعبی ۴۶

ابوالعلای معری ۴۶۷

ابوالفتح رازی ← رازی

ابوالفداء ۵۶۳

ابوالفضل ۵۱۶

ابوالقاسم امام جمعه ۵۰۳

ابوالقاسم قشیری ← قشیری

آمل ۳۵۸، ۱۳۰

آملی، اولیاءالله ۱۰۱

آسودریا ۲۳۴، ۲۶۹

اسین الدوله ۵۲۸

اسین السلطان ۵۲۸

اوکتای قآن ۱۲۸

آوه ۱۳۹، ۵۶۵

آیین شهرداری یا معالم‌القربه

ابتهاج ۱۱، ۱۲، ۸۱

نظر ~ در مورد جمعیت ایران و تقسیم آن ۸۱

ابراهیم حکیم‌الملک ۵۸

ابراهیم ینال ۵۵۴

ابرقو ۳۶۷

ابن الاثیر ۴۱، ۴۳۸، ۲۵۵، ۵۵۸ اشاره ~

به صاحب‌الزنج ۵۵۸

ابن‌اخوه ۳۸۵، ۴۳۸

وظیفه فروشندهگان به اشاره ~ ۳۸۵

ابن اسفندیار ۱۰۱

ابن بطوطه ۱۴۰، ۱۴۴، ۳۶۶، ۳۸۱، ۵۴۳،

۵۶۲، ۵۷۴ نظر ~ درباره اصفهان ۱۴۰

وصف شیراز از ~ ۳۸۱ مجلس وعظ

شیراز به اشاره ۵۴۳ اشاره ~ به غلامان

و کنیزان ۵۶۲ اشاره ~ به قتیان ۵۷۴

ابن‌البلخی ۳۹، ۲۶۱ ساختن سنگ آسیا به

گفته ~ ۲۶۱

ابن‌بی‌بی ۳۱۲، ۵۷۵ اشاره ~ به قتیان ۵۷۵

ابن جوزی ۱۰۳، ۵۳۸ اشاره ~ به اصلاحات

عضدالدوله ۱۰۳ احوال خطبا و وعاظ

به اشاره ~ ۵۳۸

ابن‌حوقل ۲۱۲، ۲۷۰، ۳۵۶، ۳۶۷ نظر ~

در مورد طوایف فارس ۲۷۰ اردبیل از

نظر ~ ۳۶۷

ابن‌خلدون ۲۳۹، ۳۰۱، ۳۶۸، ۳۶۹ -

اردشیر بن ابی منصور عبادی ۵۴۰

اردشیر حوزة فارس ۳۲۱

اردلان ۵۴

ارذیابی اذشها ۲۰۴

ارسباران ۹۲

ارسطو ۹۰

ارسلان جاذب ۲۷۰، ۲۷۱

ارشادالزراعه ۱۳۳، ۲۱۸، ۲۲۹، ۲۳۱

۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۶

ارشادالصادی ۴۳۸

ارمنستان ۳۲، ۳۳۱

ارمینیه صغری ۲۵۰

ارمینیه کبری ۲۵۰

اروپا ۶۹ - ۸۲، ۸۶ - ۸۸، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸

۲۶۲، ۳۳۵

ارومیه ۱۲

اریس فروم ۲۸

ازبکستان ۴۹۱

از سعدی تاجاهی ۶۶۲

از صبا قانیا ۶۴، ۴۹۸، ۵۳۴

از کوچة زندان ۳۹۶، ۴۶۵، ۵۸۶

اسپارتا کوس ۲۱۷، ۵۵۷ اشاره مختصر به

قیام ~ ۵۵۷

اسپانیا ۳۳۵

استانبول ۱۲۶، ۴۰۶

استخر ۲۴۶

استخری ۲۷۰

استرآباد ۵۶، ۱۳۰، ۳۵۶

استرابون ۲۲۵

استرالیا ۸۳، ۸۷

اسدآبادی، سید جمال الدین ۱۹۲، ۵۰۲، ۵۰۴

اسداللهخان وزیر ۵۱۴، ۵۱۵

اسدی ۶۷۲

اسرافیل ۵۹۷

اسفراین ۳۴

ابوالقاسم قمی ۵۰۷ جواب ~ در مورد

خوردن شراب! ۵۰۷

ابولؤلؤ ۲۳۶

ابومسلم ۹۹ - ۱۰۰

ابومسلم نامه ۶۶۰

ابوالمعالی ۴۴۱ سخن ~ از اختلاف بین

ملکشاه و قتیبه عصر ۴۴۱

ابوالمؤید بلخی ۲۳۶، ۲۵۵ اشاره ~ به

ریگ روان سیستان ۲۵۵

ابونضر (شیخ) ۲۶۵

ابونضر شکال ۳۴

ابهر ۱۳۹

ایورد ۱۴۲، ۲۷۲

اترک ۶۳

احسانی، شیخ احمد ۴۹۹

احسن التماسیم ۲۴۶، ۳۰۰

احمد بن محمد قواسی ۱۲۸

احمد بن محمد بن اوس ۱۰۱

احمد بن حنبل ۳۵۰، ۴۳۶

احمد میرزا ۳۴۱

احمدی پور، حسین ۴۷۲

احمدی کرمانی، شیخ یحیی ۵۱۸

احمر، دریاری ۷۰۹

احنف بن قیس ۲۲

احیاء العلوم ۴۳۱، ۴۴۵

احیاء الآثار ۲۳۰

اخبار سلاجقة (وم) ۳۱۲، ۳۰۸، ۳۷۹

الاخبار الآثار ۲۱۰

اخلاق ناصری ۵۶۶، ۵۶۹، ۵۷۷

ادیب تهرانی ۵۶۹

ارال ۴۹۰

اریل ۳۶۸

ارجان ۳۵۸

اردبیل ۱۲، ۳۱۸، ۳۵۸

اردشیر بابکان ۳، ۳۱، ۹۵

افریقای خاوری ۸۶

افشار، ایرج ۵۸، ۱۰۹، ۲۳۶، ۲۶۰، ۳۰۸

۴۲۵، ۵۶۹، ۵۹۲

افغانستان ۸۱، ۱۲۴، ۲۱۸، ۴۹۰

اقبال آشتیانی، عباس ۵۲، ۱۳۰، ۲۴۶

۴۶۳، ۴۸۸، ۴۹۶، ۵۵۸، ۵۷۴، ۵۷۵

اقتداری، احمد ۳۹۳

اقتصاد کشاورزی ۲۴۶

اقلیدس ۳۷۳

البارسلان ۲۳۹، ۵۶۲

البرز، کوه ۸۱، ۸۵، ۹۲

المغنیگک و ذغان دی ۷۰۲

اللهوردی خان ۵۵

الثاریوس ۲۱۷، ۲۵۹، ۳۲۶، ۷۱۰، ۷۱۲

اشاره ~ به خیش ۲۵۹

امام شوشتری، محمدعلی ۳۶۲

امام صادق ← جعفرین محمد

امامقلی خان ۵۶

امپراطوری عثمانی ۵

امثال و حکم ۴۶، ۳۶۲، ۹۵۴، ۶۸۲

امریکا ۶۸، ۷۰، ۷۱، ۸۰، ۸۳، ۲۱۴

۲۱۶، ۴۱۶، ۵۳۲، ۵۵۲، ۷۳۳

امریکای شمالی ۶۷

امریکای لاتین ۶۷، ۶۹، ۸۲، ۷۳۳

امیر خسرو دهلوی ۳۵۴، ۴۵۳

امیر کبیر ۳۴۱، ۵۰۱، ۵۰۳، ۵۰۸، ۵۹۰

۷۱۹، ۷۲۶ ~ و تحدید قدرت روحانیون

۵۰۱ رفتار ~ با روحانیون صالح ۵۰۳

اشاره به مادر ~ ۷۲۶

امیرکبیر و ایران ۵۹، ۱۷۴، ۱۷۵، ۷۲۶

امیر نظام گروسی ← حسنعلی خان گروسی

امیری، منوچهر ۲۷۲

امین، احمد ۱۰، ۱۱، ۵۲۷، ۵۳۵، ۵۵۵

نظر ~ در مورد جمعیت ۱ ~ نخستین

کسی که غلامان بسیار گرد آورد ۵۵۵

اسکندر بیک روسلو ۵۵

اسکندر بیک منشی ۳۳۳

اسکندرنامه ۶۵۸

اسکندری، محترم ۷۳۵

اسکندریه ۳۶۷

اسلام در ایران ۴۳۷

اسماعیل بن احمد سامانی ۱۰۱

اسماعیل سیرزا ۳۳۳

اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلستان ۵۱۶

اسناد و نامه‌های تاریخی ۲۶۴، ۴۴۹، ۴۵۵

۴۷۲، ۴۸۴، ۵۷۰، ۵۷۱

شبلی، ابوزکریا یحیی بن محمد بن احمد بن -

عوام ۲۶۵

اشپولر ۳۷۷ اشاره ~ به صنعت و پیشه در

عهد مغول ۳۷۷

اشرف افغان ۴۸۹

اصفهان ۳، ۱۰، ۱۲، ۶۰، ۶۳، ۶۴، ۸۱

۹۲، ۱۰۳، ۱۳۹، ۱۴۰، ۲۵۷، ۲۵۸

۳۰۷، ۳۲۵، ۳۶۷، ۳۹۰، ۴۰۰

۴۰۸، ۵۰۴، ۵۰۰، ۵۴۸، ۶۰۷

۷۲۷، ۷۲۸، ۷۳۵

اصفهانی، حاج محمد حسین خان ۲۵۲

اصفهانی محمد مهدی ۵۹

اصول علم سیاست ۲۶، ۲۷، ۶۷، ۷۱، ۷۳۳

اطاق صنایع (مجله) ۹۰

اعتمادالدوله ← محمد ابراهیم خان

اعتماد السلطنه، محمد حسن خان ۴۰۵، ۴۲۲

۵۱۶ اعلامیه ~ در مورد گوشت ۴۰۵

تعریف ~ از یک خاطره گرانفروشی

۴۲۳ فرق پیشماز ملی و دولتی ازدید

~ ۵۱۶

الاغانی ۵۳۵

اغاثه الامم بکشف الغمه ۲۴

افریقا ۶۷ - ۷۰، ۸۲، ۹۷، ۲۱۹، ۳۳۵

افریقای جنوبی ۸۷

اهلی شیرازی ۲۱۷ قلیان در شعر ~ ۲۱۷
 اغواز ۲۳۶، ۲۳۷، ۳۵۶، ۵۵۷
 ایاجی نکودری ۳۱۴
 ایاز ۳۴
 ایتالیا ۲۷، ۲۹، ۱۰۶
 ایران در اکثریت صفحات آمده
 ایران از آغاز تا اسلام ۲۷
 ایران در زمان ساسانیان ۲۷ - ۶۲۲
 ایرج سیرا ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۵، ۷۳۷ ~
 و خدمت حجاب ۷۲۹
 ایروان ۴۸۶
 ایزدپناه ۳۲۸
 ایوانف ۲۰۸، ۲۰۹، ۵۱۹
 نظر ~ درباره اقتصاد جنسی در روستا ۲۰۹
 نظر ~ نسبت به اشکال عمده مالکیت ارضی
 ۲۰۹ و سوعیت اجتماعی روحانیون به اشاذه ~ ۵۱۹
 ایولکست ۱۶، ۷۱، ۷۲
 نظر ~ درباره اختلاف طبقاتی ۷۱
 باباطاهر عربان ۴۹ وضع آشفته اقتصادی در
 شعر ~ ۴۹
 بابا کرو سینسکی ۳۵۶
 بادغیس ۱۳۹
 بار بارو، جوزا ۲۷۲ اشاره ~ به حرکت و
 کوچ خانها ۲۷۲
 بارتولد ۳۷، ۱۰۳، ۱۰۶، ۳۱۹، ۳۲۳،
 ۳۵۵، ۳۷۶، ۴۳۲، ۴۷۸، ۵۸۳، ۵۷۶
 نظر ~ درباره حقوق اجتماعی طبقات ۳۷
 اشاره ~ به بند امیر ۱۰۳ بحث ~
 پیرسون آبیاری ترکستان ۱۰۶ نوشته ~
 درباره کلمه دهستان ۳۲۳ اشاره ~ به
 پارچه های نخي بم ۳۵۵ اشاره ~ به
 رفتار تغفاج خان با قصابان ۳۷۶ اشاره ~
 به رفتار الن بیگ با روحانیون ۴۷۸ نظر ~
 در پیدایش گروه عیاران ۵۷۶

اسینی، محمد رضا ۷۳۴
 انباط المیاه الخفیه ۲۴
 انجیل ۲۰، ۶۴۳
 انحطاط و سقوط امپراطوری (د ۴۳۲)
 اندرزنامه اردشیر بابکان ۳۶۱
 اندیشه ترقی و حکومت قانون ۵۱۲
 اندیشه های میرزا فتحعلی آخوندزاده ۵۲۱
 الانساب ۴۳۳
 انصاری، صادق ۳۸۵
 انصاری، عبدالله ۵۳۸
 انصاری، سیرزا سعیدخان ۵۰۱
 انقراض سلسله صفویه ۶
 انقلاب ایران ۲۰۶
 انگلبرت کمپفر ۴۸۶
 انگلس ۲۴۲، ۲۷۵ نظر ~ درباره تولید
 آسیائی ۲۴۲ نظر ~ درباره اسلام ۲۷۵
 انگلستان ۷۰، ۷۱، ۳۹۸، ۵۵۲
 انوری ۴۸، ۳۶۰، ۵۶۶، ۵۹۶ دعوت ~
 مردم را به همکاری اجتماعی ۳۶۰ و
 وصف والیان و خراج ستانان ۵۹۶
 انوشیروان ۲۷، ۹۵، ۹۶، ۴۳۰ نیرنگ ~ و
 کشتار مزدکیان ۲۷
 ایس الناس ۵۶۹، ۶۷۹، ۶۸۰
 اوحدی ۵۲، ۱۲۳، ۳۱۶، ۴۶۰، ۵۴۲
 ۶۹۴، ۶۷۵، ۵۴۳
 کشاورزی در شعر ~ ۱۲۳ ظلم و ستم
 طبقات متنعم در شعر ~ ۳۱۶ اعمال و
 رفتار روحانیون ریائی در شعر ~ ۴۶۰
 زن بد از نظر ~ ۶۹۴
 اورشلیم ۳۰۵
 اوستا ۲۱۳، ۲۲۸
 اوکتای قان ۱۲۸، ۱۴۱
 اولجایتو ۱۳۳
 اولیاء الله آملی - آملی
 اولیویه ۷۱۳

- بزرگشی (خواجده بوالمظفر) ۴۲
 بسطام ۸، ۱۱۰، ۱۱۱
 بصره ۲۳۵، ۵۵۷، ۵۵۸
 بطحائی، احمد ۱۲۲
 بغداد ۱۱، ۲۳، ۵۶، ۱۰۳، ۱۰۶، ۳۰۷
 ۳۶۷، ۴۴۹، ۵۵۸
 بغدادی، بهاءالدین محمد بن مؤید ۳۵
 البغوی، احمد بن محمد بن ۵۴
 بقرات ۹
 بلژیک ۸۱
 بلباس ۲
 بلخ ۱۲۷، ۳۵۸
 بلعی ۱۱۶
 بلوچستان ۱۲، ۶۵، ۸۱
 بم ۹۲، ۱۳۶، ۳۶۷
 بند قیصر ۱۰۶
 بندهشن ۲۱۳، ۲۲۵، ۲۲۸، ۲۲۹
 بوداغان ۳۸۲، ۳۸۴
 بوسهل زوزنی ۴۲
 بودن، ژان ۹۱
 بورکهارت ۳۰
 بوستان ۴۳، ۵۰، ۵۱، ۳۵۲، ۴۵۷، ۵۷۸
 بوشهر ۳۴۵
 بولانی ابوالحسن ۴۴
 بونصر مشکان ۳۰۹، ۴۴
 بهاءالدین محمد ۳۵۴
 بهاءالدین ولد ۳۸۸ وظیفه پیشه‌وران در شعر
 ~ ۳۸۸
 بهار، محمدتقی ۲۳۶، ۲۵۵
 بهبهانی، سید عبدالله ۴۹۹، ۵۲۹، ۵۴۷
 بهرام‌شاه ۱۱۴
 بهرام‌گور ۳۵
 بهراسی، تقی ۲۲۶
 بهمینار، احمد ۳۷، ۲۶۶
 بهنام، جمشید ۸، ۲۳۷
- بارس ۹۱
 بارناو ۳۰۹
 بازارماخ ۳۷۳
 باستانی پاریزی، محمد ابراهیم ۴۱-۱۱۳
 ۲۴۸، ۲۶۲، ۳۳۸، ۵۱۸، ۵۷۷
 باغ بیشه (مجله) ۴۹۷
 باقت ۳۵۵
 باکتریا، ایالت ۱۸
 بالکان ۳۲۲
 باورد ۲۷۱
 بتهم، ش. ۷۳
 بحر خزر ← خزر
 بحر الفواید ۱۲۲، ۳۵۰، ۵۹۳
 بحرین ۵۵۸
 بجستان ۹۴
 بخارا، ۱۷، ۱۰۰، ۱۰۴-۱۰۶، ۳۰۳
 ۳۲۳، ۳۵۳، ۳۵۵، ۳۵۸، ۴۳۴، ۴۷۹
 البخلاء و محاضرات ۵۹۳
 بخشکوف کنیاز ۵۳۱
 بخوانید و دادی کنید ۶۱۱
 بدایع الوقایع ۲۵۱، ۳۸۵، ۴۷۹، ۵۸۶
 ۵۸۷، ۶۱۳، ۶۳۵
 بدیع الزمان همدانی ۵۹۳
 بدیعی بوشنجی ۱۴۲، ۱۴۳
 براون، ادوارد ۸۳، ۵۳۴
 براهویی ۵
 بردسیهای تاریخی (مجله) ۱۱، ۲۷۲
 ۲۸۹، ۳۴۶، ۳۵۶، ۴۰۵، ۴۹۳، ۴۹۵
 ۵۲۸
 برغشی ابوالمظفر ۴۲
 برلین ۱۰۲
 بروجرده ۲، ۴۰۸
 برهان قاطع ۳۴۸، ۳۷۹، ۶۰۰
 بریتانیا ۸۱
 بریتون ۳

۵۹۶ جامعه فتودالی ایران از نظر ~
 ۱۲۳ اشاره ~ به اصلاحات غازان خان
 ۱۳۸ اشاره ~ به افزایش صادرات ابریشم
 ۲۲۶ اطلاعات سودمند ~ راجع به نباتات
 ۲۲۴
 آبیاری ایران از دید ~ ۲۴۳ نظر ~
 پیرامون ساختمان نهر رشیدی ۲۵۲ مشکلات
 جغرافیائی ایران از دید ~ ۲۵۳ نظر
 ~ درباره اصطلاح جفت گاو ۲۵۹ نظر ~
 در مورد سواجب روحانیون ۳۱۵ نظر ~
 درباره ازاضی خالصه ۳۱۷ نظر ~ درباره
 اقطاع و سیورغال ۳۲۰ نظر ~ درباره
 نهضت سرداران ۳۸۲
 چیک سعادت (مجله) ۷۳۵
 پنجاه سال نفت ایران ۶۵
 پور داود، ابراهیم ۹۵، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۶
 ۶۰۳ اشاره ~ به افیون ۲۱۳ اشاره استاد
 ~ به تنباکو ۲۱۶ اشاره استاد ~ به معنی
 لغوی درویش ۶۰۳
 پوشاک ایرانیان از چهارده قرن پیش تا
 آغاز دوره شاهنشاهی پهلوی ۶۱۷
 پیام نوین (مجله) ۲۳۳
 پی پترو ۳۹۸ کارگاههای پارچه بافی به گفته
 ~
 پیرزاده ۳۴۵، ۷۲۰ اشاره ~ به زندگی اشراف
 ۳۴۵
 پیرنه ۸۰
 پیگولوسکایا، ن. و ۷
 تات نشینهای بلوک زهرا ۱۸۴، ۱۹۲، ۲۷۸
 تاج (= اخلاق الملوك) ۳۸، ۴۵۰
 تاج الدین گیلانی ۳۰۶
 تارابی، محمود ۳۶۶، ۳۶۷
 تاریخ آداکل ۵۶

به ابانک ۹۳، ۵۹۱
 بیات، اروچ بیک ۲۶۲
 بیانی، خانم شیرین ۵۳
 بیدآبادی، آقا محمد ۴۹۱
 بیدگل ۳۴۱
 بیروت ۹۶
 بیغمی، مولانا محمد ۱۲۲
 بیگی خانم ۷۰۸
 بیلقان ۳۱۸
 بین النهرین ۶، ۲۳۵، ۲۳۶
 بیهقی ۳۲۳
 بیهقی، ابوالفضل ۲۴، ۳۳، ۳۹، ۴۱، ۴۶،
 ۱۰۷، ۳۸۸، ۵۷۱، ۶۵۸
 پاپازیان، آ. ۳۳۱
 پارس ۲۷۰
 پاریس ۴۱۶، ۴۲۰
 پادشاهزاده عاشق ۳۲۲
 پازوکی ۵۴
 پالمستون ۵۰۲
 پالمیر ۲۴۳
 پاسیر ۳
 پاینده، ابوالقاسم ۴۰، ۳۳۵، ۶۱۹، ۶۲۸
 پرتلن، آ. ۳۵۴
 پرتو اسلام ۵۵۳
 پرو، ف ۷۳
 پروین اعتصامی ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۷ زن در
 نظر ~ ۷۳۷
 پروین گنابادی، محمد ۱۰۲، ۱۲۲، ۵۸۰
 بژسان بختیاری ۶۰۱ اشاره ~ به رند ۶۰۱
 پطروشفسکی، ایلیا پاولویچ ۹۳، ۱۲۳
 ۱۲۴، ۱۳۰، ۱۳۸، ۲۲۴ - ۲۲۶
 ۲۴۳، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۹، ۳۱۵، ۳۱۷ -
 ۳۲۱، ۳۲۱، ۳۲۶، ۳۸۲، ۴۳۷